



Jurisprudential and Legal Analysis of Protecting Drug Inventors in Employment Contracts

Elnaz Birjandian¹, Nafiseh Motavalizadeh Naeini^{1*}, Hamid Rostaei Sadrabadi¹, Mohammad Mehdi Barghi¹

1. Department of Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Meybod University, Meybod, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Today, one of the most important issues in the field of intellectual property rights and economics is inventions. Some inventions, such as the invention of medicine, are of great importance because they also affect the health and hygiene of society. In most cases, inventors work under contract for natural or legal persons, such as knowledge-based companies, in order to obtain laboratory facilities and due to limited financial resources. In this research, we seek to answer the question of what rights do scientists and inventors have in these contracts?

Method: This research is of theoretical type. The research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and referring to documents.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Results: The rule of harmlessness and the rule of necessity to maintain order require that measures be devised in both laws and judicial practice to protect inventors in pharmaceutical employment contracts. The employer has duties towards the inventor, such as paying compensation, receiving the invented medicine and respecting intellectual property rights. Therefore, in employment contracts, even if the product belongs to the employer, the intellectual property rights related to the invented drug belong to the inventor.

Conclusion: According to the presented material, it can be said that protecting inventors in pharmaceutical employment contracts is achieved by explaining specific contractual patterns or establishing laws, as well as guiding judges to uphold the rights of scientists. It is necessary to include a bonus for inventors in pharmaceutical employment contracts to ensure their interests are protected.

Keywords: Employment Contract; Patent; Drug Inventors; Industrial Property; Jurisprudence and Law

Corresponding Author: Nafiseh Motavalizadeh Naeini; **Email:** motavallizade@meybod.ac.ir

Received: February 07, 2024; **Accepted:** July 25, 2024; **Published Online:** December 24, 2024

Please cite this article as:

Birjandian E, Motavalizadeh Naeini N, Rostaei Sadrabadi H, Barghi MM. Jurisprudential and Legal Analysis of Protecting Drug Inventors in Employment Contracts. *Medical Law Journal*. 2024; 18: e40.



واکاوای فقهی و حقوقی حمایت از مخترعان دارو در قراردادهای استخدام

الناز بیرجندیان^۱ (id)، نفیسه متولی زاده نائینی^{۱*} (id)، حمید روستائی صدرآبادی^۱، محمدمهدی برغی^۱

۱. گروه حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبد، میبد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: امروز یکی از مسائل مهم در حوزه حقوق مالکیت فکری و علم اقتصاد، اختراعات می‌باشند. برخی از اختراعات مانند اختراع دارو از آن جهت که بر سلامت و بهداشت جامعه نیز مؤثراند، از اهمیت زیادی برخوردار هستند. در اغلب موارد مخترعان به جهت دستیابی به امکانات آزمایشگاهی و به دلیل محدود بودن توان مالی به موجب قرارداد برای اشخاص حقیقی و یا حقوقی مانند شرکت‌های دانش‌بنیان کار می‌کنند. در این پژوهش درصدد هستیم به این سؤال پاسخ دهیم که دانشمندان و مخترعان در این قراردادهای از چه حقوقی برخوردار هستند؟

روش: این تحقیق از نوع نظری بوده، روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: قاعده لاضرر و قاعده ضرورت حفظ نظام ایجاب می‌نماید که چه در قوانین و چه در رویه قضایی تدابیری در جهت حمایت از مخترعان در قراردادهای استخدام دارو اندیشیده شود. کارفرما در برابر فرد مخترع وظایفی را بر عهده دارد، مانند پرداخت عوض، تحویل گرفتن داروی اختراع‌شده، رعایت حقوق معنوی، فلذا در قراردادهای استخدام حتی در فرض تعلق محصول به کارفرما حقوق معنوی مربوط به داروی اختراع‌شده به فرد مخترع تعلق دارد.

نتیجه‌گیری: با توجه به مطالب ارائه‌شده می‌توان گفت که حمایت از مخترعان در قراردادهای استخدام دارو به وسیله تبیین الگوهای قراردادی مشخص و یا وضع قوانین و همچنین هدایت قضات در جهت احقاق حقوق دانشمندان صورت می‌گیرد. لازم است که برای مخترعان در ضمن قراردادهای استخدام دارو پاداشی در نظر گرفته شود تا تأمین منافع آن‌ها تضمین گردد.

واژگان کلیدی: قرارداد استخدام؛ حق اختراع؛ مخترعان دارو؛ مالکیت صنعتی؛ فقه و حقوق

نویسنده مسئول: نفیسه متولی زاده؛ پست الکترونیک: motavallizade@meybod.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۴؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Birjandian E, Motavalizadeh Naeini N, Rostaei Sadrabadi H, Barghi MM. Jurisprudential and Legal Analysis of Protecting Drug Inventors in Employment Contracts. Medical Law Journal. 2024; 18: e40.

مقدمه

مالکیت معنوی، به طور گسترده، به معنای حقوق قانونی ناشی از فعالیت‌های فکری در زمینه‌های صنعتی، علمی، ادبی و هنری است. کشورها به دو علت اساسی قواعدی در محافظت از مالکیت معنوی دارند: نخست اینکه بتوانند قواعد حقوقی در ارتباط با حقوق اخلاقی و اقتصادی آفرینندگان داشته باشند؛ دوم اینکه بتوانند خلاقیت را در جامعه ارتقا ببخشند، این مسأله باعث توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌شود (۱).

امروزه دامنه استفاده از حقوق مالکیت فکری بسیار گسترده شده است. یکی از بحث‌های اساسی این حوزه، بحث مربوط به حق بر سلامتی (The Right to Health) می‌باشد. در این حوزه مباحث فرعی متعددی بروز می‌کند، حمایت از اختراعات مرتبط با حیات و سلامتی و همچنین مخترعان این فناوری‌ها زمینه مقابله با بیماری‌های همه‌گیر مانند کرونا و یا بیماری‌های لاعلاج را فراهم می‌کند، باید توجه داشت که داروها بهترین ابزار جهت دست‌یافتن به سلامتی هستند (۲). از نظر اقتصادی داروسازی یکی از صنایع پرسود می‌باشد که نسبت به سایر حوزه‌ها هزینه کمتری برای تولید صرف می‌کند، علاوه بر آن در مدت زمان کوتاه‌تری می‌تواند اصل سرمایه و سود حاصل از آن را برگرداند (۳)، لذا یکی از مباحث عمده و مهم در حوزه صنایع کشورها بحث مربوط به توسعه فناوری مربوط به داروسازی می‌باشد. مهم‌ترین ابزار در جهت رسیدن به این هدف حمایت از مخترعان است، هرچند انگیزه کشورهای توسعه‌یافته از گسترش و حمایت اختراعات دارویی کسب منفعت اقتصادی است، اما منافع انسانی و حقوق بشری این محصولات نیز از جمله مهم‌ترین مباحث در حوزه قواعد حقوق مالکیت فکری است (۴).

در حوزه محصولات مهمی مانند دارو و یا تولیدات پزشکی کشورها به طور کلی به دو دسته کشورهای تولیدکننده و کشورهای مصرف‌کننده تقسیم می‌شوند، کشورهای تولیدکننده بیشتر درصد هستند که یک سیستم انحصاری برای خود ایجاد کنند تا بتوانند منافع اقتصادی خود را در ارتباط با اختراعات جدید تضمین نمایند. در نقطه مقابل

کشورهای مصرف‌کننده در پی استفاده کم‌هزینه‌تر و بیشتر از محصولات مهم و ضروری مانند محصولات بهداشتی و دارویی هستند. از جمله سندهای بین‌المللی که در جهت حمایت از منافع کشورهای توسعه‌یافته در ارتباط با اختراعات وجود دارد، موافقت‌نامه آکتا (Anti-Counterfeiting Trade Agreement) یا توافق‌نامه تجاری ضد جعل می‌باشد، هرچند انتقادات جدی به این موافقت‌نامه شده است، اما به نظر می‌رسد که ضمانت اجرای یک جانبه جهانی این موافقت‌نامه امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد، هرچند ضمانت اجرای این موافقت‌نامه در موافقت‌نامه نهایی آکتا در موارد متعددی با موافقت‌نامه تریپس (Agreement on Trade-Related Property Rights Aspects of Intellectual Property Rights) موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری، مطابقت دارد، اما این موافقت‌نامه معیارها و استانداردهای مبسوط‌تری را نسبت به تریپس دارا می‌باشد. امروزه کشورها به ویژه کشورهایی که دارای اقتصادهای بزرگ، مانند برزیل، هند و چین توانسته‌اند انعطاف بیشتر در برابر مقررات تریپس از خود نشان دهند و به نحوی خود را با قواعد این کنوانسیون هماهنگ نمایند (۵). این دو سند تجاری در جهت حمایت از صاحبان محصولات فکری قواعدی را بیان کرده است، هدف اصلی این دو سند بیشتر تأمین منافع اقتصادی صاحبان محصولات فکری می‌باشد همین امر موجب شده است که توجه این اسناد بین‌المللی مهم (آکتا و تریپس) از بحث مربوط به حمایت از مخترعان، دور بماند، چراکه در بسیاری از موارد مخترعان مالک محصول فکری نمی‌باشند، بلکه آن را به موجب قرارداد یا در روابط استخدامی به دیگری منتقل کرده‌اند. ما در این پژوهش درصدد هستیم جلوه‌های حمایت از مخترعان در قراردادهای استخدامی را مورد بحث و بررسی قرار دهیم و به این سؤال پاسخ دهیم که مخترعان در اینگونه قراردادها از چه حقوقی برخوردار می‌باشند؟

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

این تحقیق از نوع نظری بوده، روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها

لازم است که قانونگذار دامنه استفاده از قراردادهای لیسانس اجباری را محدود نماید و یا در صورت لزوم حق امتیاز متناسب و معقولی برای این قراردادها در نظر بگیرد تا هم انگیزه کارفرما برای سرمایه‌گذاری و هم انگیزه مخترع برای انجام فعالیت‌های تحقیقاتی حفظ شود. تدوین قوانین جدید و الزامی کردن در نظر گرفتن پاداش در قراردادهای استخدام برای مخترعان می‌تواند به نحو مطلوب منافع آن‌ها را تأمین کند.

بحث

۱. مبانی فقهی حمایت از مخترعان در قراردادهای استخدام دارو

۱-۱. قاعده لاضرر: یکی از قواعد مهم در حوزه مباحث فقهی قاعده لاضرر است. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که آیا قراردادهای استخدام جهت اختراع دارو به مخترع ضرر وارد می‌نماید؟ جهت پاسخ به این سؤال لازم است که در مرحله نخست مفهوم ضرر را بشناسیم. معانی متعددی توسط اهل لغت برای واژه ضرر ذکر شده است، این اثر ضرر را به معنای نقص می‌داند (۶). منتها از نظر راغب اصفهانی ضرر به مفهوم بدبودن حال است، چه این بدبودن حال از نقصان فضیلت ناشی شود و چه به خاطر فقدان عضو و یا به علت آسیب و ورود نقص به مال و آبرو باشد (۷). منتها در عرف این قاعده بیشتر در مورد آسیب‌ها و خسارات مالی و جسمی به

کار می‌رود و کمتر ضررهای حیثیتی را شامل می‌شود. مطابق این قاعده در اسلام هیچ‌گونه زیان‌رساندن و زیان دیدنی پذیرفته شده نیست (۸). این قاعده ابزاری در جهت نفی احکام ضرری می‌باشد (۹). در روابط استخدامی جهت اختراع دارو از آن جهت که دستمزد مخترع به موجب قرارداد مشخص می‌شود، فلذا ضرری متوجه او نیست. علاوه بر آن مطابق قواعد بسیاری از کشورها، مانند سوئیس، فرانسه و سوئد (۱۰-۱۲) پاداشی برای مخترع در فرض بهره‌برداری از محصول در نظر گرفته می‌شود. به این معنا که کارفرما ملزم است مبلغی از سود حاصل از فروش را برای دادن پاداش به مخترع در نظر بگیرد.

ممکن است این سؤال مطرح شود که اگر ضرری در این رابطه استخدامی از طرف کارفرما به مخترع وارد شود، تکلیف چیست؟ در این مورد در قاعده لاضرر، کلمه «ضرار» دلالت بر ایراد ضرر از سوی طرفین دارد. به معنای مجازات بر ضرری می‌باشد که از طرف شخص دیگری به انسان وارد می‌شود. با اینکه این دو کلمه مترادف هستند، منتها در این حدیث تکرار شده‌اند، این تکرار از باب تأکید می‌باشد. برخی فقها معتقد هستند زیان غیر ارادی را ضرر و زیان ارادی را که از طرف خود فرد یا دیگری وارد شده باشد را ضرر می‌گویند (۱۳). ملاحظه نراقی معتقد است هرچند این الفاظ متفاوتند، منتها احکام مربوط به آن‌ها یکسان است (۱۴)، لذا مطابق قواعد فقهی ورود ضرر از جانب کارفرما نیز جایز نمی‌باشد، لذا اگر در قرارداد شرط غیر منصفانه‌ای باشد که به ضرر مخترع می‌باشد، این شرط براساس قواعد لاضرر باطل است. از آنجایی که از نظر حقوقی و بر اساس اصل آزادی اراده طرفین در انعقاد قراردادها آزاد هستند و می‌توانند هر شرطی را که می‌خواهند در قراردادها بیاورند، نمی‌توان شروط مندرج در قراردادها را حتی در فرضی که به ضرر مخترع است، نادیده گرفت. سؤالی که در این زمینه مطرح می‌شود، این است که در چنین فرضی چگونه می‌توان منافع مخترع را تأمین نمود؟ وقتی خود مخترع با اراده اقدام به انعقاد قراردادی نموده است که شایسته سرمایه فکری او نمی‌باشد.

شتر بهبود پیدا کرده بود، کشتن شتر را به واسطه ضرری که به یکی از شرکا وارد می‌شد، ممنوع نمود (۲۳) و این موارد از جمله روایات اثبات‌کننده قاعده لاضرر می‌باشند.

هرچند در رابطه با مستندبودن روایت زراره شبهه‌هایی از جانب برخی از فقها مطرح شده است (۲۴). منتها اکثریت فقها معتقد هستند از آنجایی که روایت‌کننده این حدیث علی بن محمد ابوالقاسم است (۲۵)، مستند آن قوی می‌باشد (۲۶). امام خمینی (ره) به مستندبودن این روایت در کتاب رسائل اشاره نموده‌اند و می‌فرمایند: «این روایت، اگرچه مرسله است، منتها مضمون آن و مطابقت آن با روایت زراره به صحیح بودن آن صدق می‌کند» (۲۷).

چنانچه کشوری نظام حمایت از مالکیت فکری را به رسمیت نشناسد، در صحنه بین‌المللی دچار زیان خواهد شد؛ از یکسو، پدیدآوردگان آثار فکری ترجیح خواهند داد آثار خود را در کشورهای دیگر به ثبت برسانند و از این راه حمایت جهانی از دستاورد فکری خود کسب نمایند. از طرف دیگر، سایر کشورها ممکن است برای کشوری که به مالکیت فکری احترام نمی‌گذارد، موانعی به وجود آورند. این وضعیت ناشی از عدم اعتبار مالکیت فکری خواهد بود و بر اساس قاعده لاضرر، می‌توان این ضرر را از دیدگاه شارع منتفی دانست و مالکیت فکری را به رسمیت شناخت. به هر رو سلب حقوق مالکیت فکری از صاحبان آن‌ها از نظر عرف موجب ضرر و زیان خواهد بود. از این رو به وسیله قاعده لاضرر می‌توان به ثبوت حقوق حکم نمود، زیرا ملاک در جریان قاعده لاضرر، گسترش نکته عقلایی است که در عصر شارع مورد امضا قرار گرفته، نه مصادیق خارجی آن، که در زمان شارع وجود داشته است (۲۸).

حجیت قاعده لاضرر را می‌توان به وسیله دلایل چهارگانه: قرآن، سنت، اجماع و عقل به اثبات رساند (۲۹). شیخ انصاری بعد از نقل روایت مربوط به قاعده لاضرر می‌گوید: «فراوان بودن روایات مربوط به لاضرر به حدی است که احتیاج به ملاحظه استاد ندارد.» اگر از حقوق معنوی صاحب محصول فکری حمایت نشود، هم به جامعه و هم به صاحب محصول فکری زیان وارد می‌شود. مخترعان و آفرینندگان محصولات فکری

قاعده لاضرر جزء قواعد مسلم و قطعی فقه اسلام است که در حقوق معاصر ایرانی نیز بدان تأکید و استناد می‌گردد. به موجب حدیث نبوی «لَا ضَرَّ وَلَا ضَرَّاءَ فِي الْإِسْلَامِ» هر کار زیانبار به حال شخص یا دیگر مسلمانان ممنوع و حرام می‌باشد، هرچند در تفسیر قاعده مذکور، در بین فقیهان متقدم و متأخر اسلامی، به ویژه فقهای شیعه، اختلاف نظر وجود دارد، از باب اینکه برخی آن را به معنی نفی حکم ضرری و گروهی نهی از اضرار و جمعی نیز نفی ضرر غیر متدارک تلقی می‌کنند، اما در یک ضابطه کلی می‌توان چنین برداشت کرد که تصرف در چنین حقوقی جایز نبوده و مستلزم اجازه از صاحبان آن‌ها است (۱۵).

با اینکه دلیل اصلی استناد به این قاعده حدیث متواتر نبوی «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» می‌باشد، منتها می‌توان از سایر ادله فقهی نیز در اثبات این قاعده بهره جست، در قرآن مجید نیز آیاتی (۱۶) به چشم می‌خورد که اثبات‌کننده قاعده لاضرر به عنوان یکی از قواعد اصلی و پایه‌ای اصولی می‌باشد و لزوم استناد به آن را از منظر سایر ادله فقهی نیز اثبات می‌کند (۱۷). علاوه بر آن متواتر بودن روایات مرتبط با این قاعده از منظر فقها اثبات شده است (۱۸). از مهم‌ترین احادیث در این رابطه می‌توان به روایت سمره بن الجندب (۱۹)، روایت زراره از امام باقر (ع) که این روایت مبنی بر لزوم گرفتن اجازه در زمان ورود می‌باشد (۲۰)، روایت حسنه ابی‌عبیده حذاء از ابوجعفر الباقر (ع) که این روایت در ارتباط با سمره است که از اذن گرفتن از انصاری امتناع نمود و پیامبر به وی فرمود: «ما اراک یا سمره الا مضاراً. اذهب یا فلان فاقلعها (فاقطعها) و ارم بها لیه؛ ای سمره تو در پی آزار می‌باشی، فلانی آن را به سوی او پرتاب نما» (۲۱)، روایت عقبه بن خالد از امام صادق (ع) که مطابق این روایت امام صادق (ع) از حضرت محمد (ص) نقل کرده است که فرموده‌اند «در حق شفعه شریک ضرر و ضراری نیست.» عن عقبه بن خالد عن ابی عبدالله (ع) قال: قضی بالشفعه بین الشریکاء فی الارضین و المساکن و قال: «لاضرر و لاضرار» (۲۲)، روایت هارون بین حمزه غنوی از امام صادق (ع) که غنوی از امام چنین نقل کرده است که در اختلاف بین دو شریک در مورد شتر مریشی که خریداری کرده بودند و بعد

کارفرمای خود را دارند؟ مخترع می‌تواند به راحتی با انصراف از ادامه فعالیت محصول نهایی به دست‌آمده را به شرکت‌های دیگر که ممکن است خارجی باشند، بفروشد. چنین مواردی قاعدتاً بر ضرر نظام است، حفظ مصالح اجتماعی ایجاب می‌کند که از مخترعان دارو حمایت شود، چراکه حفظ سلامت جامعه در گرو فعالیت‌ها و محصولات این افراد است (۳۳).

در توجیه و اثبات این قاعده می‌توان به ادله مختلفی استناد نمود، از جمله آیات متعددی که خداوند می‌فرماید: آیه ۵۳ سوره انعام: «و این است راه راست من، از آن پیروی کنید و از راه‌هایی که موجب تفرقه‌ی شما اصل تبعیت نکنید»، آیه ۱۰۳ سوره آل عمران: «و همگی به رشته خدا چنگ زده و به راه‌های متفرق نروید» و یا در دیگر آیه ۱۰۵ سوره آل عمران «و شما مسلمانان مانند ملت‌هایی نباشید که بعد از آنکه آیات روشن برای آن‌ها آمد، راه تفرقه و اختلاف را پیموندند»، آیه ۴۶ سوره انفال «و نزاع نکنید تا سست نشوید و قدرت شما از بین نرود»، آیه ۱۵۹ سوره انعام «مسلمانان کسانی که دینشان را بخش کردند و به گروه‌های مختلف تقسیم شده‌اند، تو را هیچ پیوندی با آنان نیست» (۳۴)، در قرآن کریم بر لزوم حفظ نظام و مصالح اجتماعی تأکید کرده‌اند، علاوه بر آن روایات متعددی نیز در باب اثبات آن بیان شده است، برخی از این روایات امامت را نظم‌دهنده ملت و لازمه آن می‌دانند (۳۵)، برخی دیگر از روایات مربوط به ضرورت وجود حکومت جهت برقراری نظم می‌باشد، از امام علی (ع) نقل شده است که: «حاکم ستمگر و کینه‌توز بهتر است هرج و مرج مداوم است» (۳۶).

برخی دیگر از روایاتی که به این قاعده مربوط می‌شود، لزوم اتحاد بین مسلمانان را توجیه می‌نماید. پیامبر اکرم (ص) در این مورد می‌فرماید: «فرد مؤمن نسبت به مؤمن دیگر، مانند شالوده ساختمان می‌باشد که قسمتی از آن قسمت دیگر را محکم می‌کند» (۳۷).

فیض کاشانی در رساله اعتذار با مثال زدن واگذاری حکومت توسط امام علی (ع) به خلیفه اول، بیان می‌کند که این عمل از مصادیق بارز حفظ نظام می‌باشد، فلذا ما موظف هستیم به

زمانی که ببینند نتیجه کار فکری آن‌ها توسط دیگران استفاده می‌شود، انگیزه‌ای برای اختراع ندارند، این امر باعث می‌شود جامعه از نظر علمی آسیب ببیند، لذا مجرای قاعده لاضرر در قراردادهای استخدام جهت اختراع دارو در دو مورد است: نخست موردی که ممکن است به موجب شروط قرارداد استخدام و یا عملکرد کارفرما آسیبی به مخترع وارد شود؛ دوم زمانی است که با در نظرنگرفتن حق و حقوقات مخترعان زمینه دلسردی و مهاجرت آن از کشور را فراهم آوریم که زمینه‌ساز ورود ضرر به جامعه می‌شود.

۱-۲. **قاعده حفظ نظام:** یکی دیگر از قواعدی که می‌توان در توجیه لزوم حمایت از مخترعان مورد توجه قرار داد، قاعده حفظ نظام است. در فقه جعفری «حفظ نظام» یکی از عناوین ثانوی است و در موارد متعددی از آن یاد شده است و به «تأمین حقوق مردم» و «رفع نیازهای مردم» تفسیر گشته است. با مطالعه مواردی که در فقه از «حفظ نظام» سخن به میان آمده، می‌توان تصویر روشن‌تری از آن به دست آورد، به طوری که گویا بیش از یک عنوان ثانوی است و نقش تعیین‌کننده‌ای در دایره احکام اولیه فقهی دارد (۳۰).

مطابق با این قاعده هر زمان که ارتکاب عملی یا ترک وظیفه‌ای باعث متزلزل کردن پایه‌های نظام اجتماعی شود، باید از آن احتراز نمود. دامنه این حکم علاوه بر روابط اجتماعی امور شخصی را نیز شامل می‌شود (۳۲-۳۱). در قراردادهای استخدام برای اختراع دارو در فرضی که حقوق مخترع یا نیازهای او به نحو مطلوب تأمین نشود، ممکن است ضررهای جبران‌ناپذیری به جامعه وارد شود و نمونه بارز این داستان، بحث مربوط به همه‌گیری ویروس کرونا بود. در این زمان شرکت‌های دانش‌بنیان متعددی در ایران در جهت ساختن واکسن کرونا تلاش می‌کردند مخترعانی که در این شرکت‌ها مشغول فعالیت بودند، اغلب به موجب قرارداد و با هدف داشتن امکانات آزمایشگاهی مناسب اقدام به فعالیت می‌کردند. حال سؤالی که در مثال فوق قابل طرح است، این است که اگر منافع دانشمندان و مخترعان در این قراردادها به نحو مطلوب تأمین نگردد، آیا آن‌ها انگیزه ادامه فعالیت یا ارائه محصول به

طریق اولی در امور جزئی‌تر حفظ نظام را بر سایر مسائل ترجیح دهیم (۳۸).

در توجیه لزوم حمایت از مالکیت فکری می‌توان گفت مبنای اصلی حمایت از صاحبان محصولات فکری قاعده ید می‌باشد، حکمت اصلی حمایت از قاعده ید حفظ نظم در بازار و اقتصاد است (۳۹). در روایتی که از امام صادق (ع) نقل شده است، آمده است که اگر به قاعده ید استناد نکنیم، بازاری برای مسلمانان باقی نمی‌ماند (۴۰). قاعده ید در واقع اثبات‌کننده لزوم حمایت دارنده محصول فکری ثبت‌شده می‌باشد؛ هدف اصلی از وضع قاعده ید رسیدن به قواعد مطلوب‌تر و مهم‌تری مانند حفظ نظام است. علاوه بر آن علت پذیرش قاعده صحت نیس حفظ نظام می‌باشد (۴۱). عدم رعایت قاعده صحت ممکن است باعث ایجاد اختلال در نظام شود و موجب شود که بسیاری از احکام باطل شوند (۴۲).

قاعده (وجوب) حفظ نظام، در اصل یک قاعده عقلی است و ذکر آن در گزاره‌های شرعی، نه به معنای حکم تکلیفی مولوی، بلکه از باب تأیید و ارشاد به همان حکم عقل است. نکته قابل توجه آنکه مناسبت و ملاک وجوب حفظ نظام اجتماع، مطابقت آن با «مصلحت عمومی جامعه» است؛ به عبارت دیگر، حفظ نظام به حفظ مصلحت عام برمی‌گردد، چنانکه اختلال به آن، نادیده‌گرفتن همین مصلحت است و ربطی به عسر، حرج و اضطرار ندارد، پس حفظ نظام واجب است، هرچند به عسر، حرج، اضطرار، ضرورت و ضرر منتهی نگردد؛ بنابراین، تک‌تک آحاد جامعه مأمور به حفظ نظام و منهی از هتک و اختلال آن هستند، چه اختلال، عسر، حرج، اضطرار و... پیش آید یا نیاید (۴۳).

لذا در روابط استخدامی از آنجایی که حمایت از مخترعان به مصلحت جامعه است و می‌تواند زمینه‌ساز انجام اختراعات جدید و شکوفایی اقتصادی شود؛ بنابراین لازم است در قوانین، قواعدی جهت حمایت از مخترعان در نظر گرفته شود. یکی از مواردی که در این زمینه مورد توجه قرار گرفته است، بحث راجع به قراردادهای لیسانس اجباری است، در فرضی که محصول یا اختراع ارائه‌شده برای جامعه بسیار مفید و مؤثر باشد، دولت می‌تواند به موجب قرارداد لیسانس اجباری

منفعت و مصلحت جامعه در ارتباط با اختراعات دارویی مهم را تأمین نماید. همچنانکه برخی معتقد هستند که قراردادهای لیسانس اجباری نوعی ضمانت اجرای پیشگیرانه هستند (۴۴) که در واقع از ورود ضرر به جامعه جلوگیری می‌کنند. منتها باید توجه داشت که انعقاد این قراردادها اگر با حق امتیاز معقول و پرسود نباشد، انگیزه کارفرما را برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های علمی از بین می‌برد، فلذا لازم است که این‌گونه قراردادها با نگرش و حساسیت دقیقی منعقد گردد. علاوه بر آن اعطای لیسانس در فرضی که مطلوب و پرسود باشد، موجب می‌شود رقبا برنامه‌های تحقیق و توسعه خود را با قوت بیشتری پیگیری نمایند و سطح نوآوری را ارتقا دهند (۴۵).

نگاهی به ادبیات فقهی شیعه نشان می‌دهد قاعده حفظ نظام در ادوار مختلف فقه امامیه در معانی متعددی به کار رفته است. «حفظ کیان یا بیضه اسلام»، «حفظ نظام اجتماعی جامعه مسلمین» و «حفظ نظام معیشت و اقتصاد مسلمین» از جمله مهم‌ترین کاربردهای این قاعده در فقه شیعه بوده است. امام خمینی (ره) با بهره‌گیری از ضوابط فقهی، متناسب با نیازها و مقتضیات زمان و با توجه به شرایط جدید اجتماعی، توسعه‌ای در مفهوم حفظ نظام ایجاد نموده و «حفظ نظام سیاسی و حکومت اسلامی» نیز به عنوان یکی از مصادیق مهم این قاعده مطرح شده است (۴۶).

دامنه استفاده از این قاعده با توجه به مقتضیات زمان گسترده‌تر می‌شود. بررسی سیر تاریخی تطور مفهوم قاعده حفظ نظام در ادبیات فقهای امامیه نشان می‌دهد که این قاعده نیز همچون سایر احکام و قواعد فقهی موجود در فقه شیعه، متناسب با مقتضیات و نیازهای زمان و شرایط اجتماعی موجود، از لحاظ قلمرو و کاربرد تطوراتی داشته است. به عنوان مثال، در حالی که بنا به شرایط خاص اجتماعی دوران اولیه پس از غیبت، فقهای شیعه از این قاعده در مواردی چون حفظ اصل اسلام، حفظ ثغور جامعه اسلامی و حفظ نظام معیشتی و بازار مسلمین استفاده کرده‌اند، در ادوار بعد با تغییر شرایط اجتماعی و بسط ید فقها جهت دخالت در برخی امور اجتماعی، به خصوص در دوره صفویه، مفاهیمی چون «ضرورت وجود امام در جامعه»، «جواز تقلید و عدم لزوم نیل

۲. حقوق و تعهدات کارفرما در قراردادهای استخدام

دارو: همانطور که مشخص است، هر حقی تکلیفی در پی دارد؛ بدین معنا که مادامی که حقوق کارفرما تعهداتی را برای مزدبگیر به همراه دارد که در مورد آن‌ها در مباحث قبلی توضیح داده شد، حقوق مزدبگیر نیز تعهداتی را بر ذمه کارفرما قرار می‌دهد که در این بخش به آن‌ها می‌پردازیم. همانطور که قبلاً گفته شد، این حقوق و تعهدات ارتباط دوسویه با همدیگر دارند، یعنی حقوق و تعهدات ذکرشده برای مخترع به طور متقابل باعث حقوق و تعهداتی برای کارفرما می‌گردد، این تعهد به اختراع، اثر تسلیم آن و انتقال حقوق مادی، منشأ ایجاد تعهداتی مانند پرداخت عوض، تحویل‌گرفتن دارو و رعایت حقوق معنوی برای کارفرما می‌باشد که در رابطه با این تعهدات توضیحاتی داده خواهد شد.

قراردادهای پیمانکاری عمومی در زمره قراردادهای ویژه‌ای قرار می‌گیرند که در پی استقلال قراردادهای اداری از قراردادهای خصوصی، اصول و قواعد خاصی بر آن حاکم است. این نوع قراردادها به طور کلی پیرو حقوق عمومی هستند و قواعد حاکم بر آن‌ها جنبه آمرانه دارد. در پیمان‌های دولتی که مقاصدی مانند حفظ منافع عمومی و فراهم‌آوردن خدمات همگانی مورد توجه قرار می‌گیرد، به طور کلی از طرف شخص خصوصی و از سوی دیگر طرف دولتی حضور دارد. پس از انعقاد پیمان نیز هر کدام از طرفین پیمانکار و کارفرما تعهداتی دارند که می‌توان گفت فسخ یکی از علل سقوط این تعهدات از سوی کارفرما می‌باشد. با مطالعه قوانین و مقررات موجود درمی‌یابیم که حق فسخ قراردادهای پیمانکاری به دو دلیل تخلف پیمانکار و با تکیه بر ماده ۴۶ شرایط عمومی پیمان و مقتضیات عمومی با تکیه بر ماده ۴۸ شرایط عمومی پیمان قابل اعمال است. در مسأله نخست که وابسته به عمل پیمانکار می‌باشد، قوانین مشخصی وجود دارد، اما در مسأله دوم که در متن شرایط عمومی پیمان واژه خاتمه به کار برده شده، بدون آنکه پیمانکار مقصر شناخته شود کارفرما با استفاده از صلاحدید خویش یا سایر دلایل پیمان را فسخ می‌کند. تحلیل این رأی به این دلیل مهم است که فسخ به علت منفعت و

همه مردم به اجتهاد»، «جواز اخذ اجرت بابت واجبات نظامیه» و «عدم جواز مزاحمت در امر فقهی که در حوزه‌ای بسط ید پیدا کرده» به دامنه مفهومی این قاعده افزوده شده و در شرایطی که در ادبیات فقهی پیشین وجود نداشته، با توسعه مفهومی قاعده مبتنی بر ضوابط فقهی و متناسب با نیازهای زمان، به این موارد نیز تسری یافته است (۴۶)، فلذا دامنه استفاده از این قاعده محدود به مورد خاص و مشخصی نیست و در هر موردی که قاعده، قانون یا فعلی برای رعایت مصلحت نظام لازم و ضروری باشد، باید به آن توجه داشت و آن را به کار بست. حمایت از مخترعان را شاید بتوان از چند جهت به نفع نظام دانست: نخست اینکه با ایجاد رضایت در این زمینه از مردم و نخبگان علمی، می‌تواند شرط بقای دولت و حکومت باشد؛ دوم اینکه با حمایت از صاحبان داروهای اختراع‌شده، انگیزه آنان برای تداوم اختراعات و تجهیز آزمایشگاه‌ها و به تبع آن پیشرفت علمی فراهم می‌شود و دولت می‌تواند علاوه بر حمایت‌هایی که به طور کلی به عمل می‌آورد، بر قراردادهای استخدامی که مخترعان منعقد می‌کنند نیز نظارت داشته باشد؛ این نظارت می‌تواند به شکل‌های مختلفی در رویه‌های حاکم بر دادگاه‌ها و یا قانونگذاری‌ها صورت بگیرد؛ سوم اینکه حمایت از مخترعان و رسیدن آن‌ها به داروهای مختلف و بهره‌برداری و صادرنمودن این داروها موجب رشد و توسعه اقتصادی در کشور می‌شود که می‌تواند بر سطح زندگی مردم مؤثر باشد. در حال حاضر دسترسی به برخی از داروهای جدید که برای زنده‌ماندن میلیون‌ها نفر بسیار مهم هستند، برای اکثریت قریب به اتفاق مردم کشورهای فقیر بسیار پرهزینه است. علاوه بر آن سرمایه‌گذاری در حوزه تحقیق و توسعه به منظور رفع نیازهای بهداشتی مردم کشورهای در حال توسعه متوقف شده است. ۱۰ درصد از بازار جهانی داروسازی مربوط به کشورهای در حال توسعه است، این امر در حالی است که سه‌چهارم از جمعیت جهان در این کشورها زندگی می‌کنند (۴۷)، فلذا توسعه دانش در این حوزه بسیار مهم و ضروری می‌باشد.

مصلحت عمومی یک حق فسخ گسترده محسوب می‌شود که موجب سوءاستفاده از اختیارات می‌گردد، زیرا منفعت عمومی یک مفهوم کلی و مبهم است که محتوای مادی آن نظارت قضایی را به دنبال ندارد. به همین دلیل دادگاه بر آیین اعمال فسخ ناظر است، از طرفی نگرانی برای فراهم آوردن حداکثری منافع عمومی و ارائه خدمت همگانی در این نوع از قراردادها توجیه‌گر اعطای اختیارات ترجیحی به کارفرمایی دولتی است (۴۶).

۱-۲. پرداخت عوض: برجسته‌ترین وظیفه‌ای که کارفرما در مقابل کارگر دارد، پرداخت عوض است. به طور قطعی با اختراع دارو و محصول مورد نظر کارفرما، با بهره‌برداری از آن سود کلانی نصیب کارفرما می‌گردد. در بعضی از کشورها از جمله سوئیس، سوئد فرانسه (۱۰-۱۲)، علاوه بر دستمزد و عوضی که به کارگر اعطا می‌گردد، برای او پاداشی نیز در نظر گرفته می‌شود. این پاداش در حقیقت به قصد ارتقای انگیزه مخترع برای انجام اختراعات و تحقیقات به وی اعطا می‌شود.

سفارش‌دهنده در حقوق ایران به موجب انعقاد قرارداد از حقوق و امتیازاتی برخوردار می‌گردد و قرارداد سفارش اختراع دارو سبب می‌شود تا سفارش‌گیرنده به طور معوض یا مجانی در قبال سفارش‌دهنده متعهد به تولید و اختراع محصول گردد. سفارش‌گیرنده آزادی خود را در زمینه ابتکارات و سلاقی خویش برای اختراع یا عدم اختراع دارو به طور مشخصی محدود می‌نماید که این محدودیت به سود سفارش‌دهنده است. سه اصل حرمت کار انسان‌ها و معوض بودن قراردادها و استثنابودن تبرع سبب می‌گردد، حتی با فرض سکوت طرفین قرارداد سفارش، آن را معوض بشماریم. با وجود اینکه تعیین عوض، از جمله شروط صحت و سقم قرارداد سفارش به شمار نمی‌آید، اما در موقعیتی که سکوت طرفین وجود دارد و یا آنکه اگر توافقی بر مبنای رایگان بودن قرارداد وجود نداشته باشد، سفارش‌دهنده الزام دارد تا عوض زحمات خالق دارو را بپردازد. روش، شکل و زمان پرداخت مطابق با توافق طرفین و عرف حاکم می‌باشد. اگر سکوت طرفین و نبود عرف وجود داشته باشد، قواعد تکمیل‌کننده در

خصوص حقوق قراردادها برای این مسأله قابلیت اجرایی دارد (۴۸).

۲-۲. تحویل گرفتن داروی اختراع‌شده: هر کدام از طرفین قرارداد بعد از انعقاد آن، پیرو مقاصد خاصی هستند، مانند زمانی که کارفرما با بستن قرارداد اینچنینی و پرداخت هزینه و زمان آن درصدد آن است تا از مزایای مادی و اقتصادی اختراع منتفع گردد. مخترع نیز در پی آن است که با بهره‌گیری از امدادها و پشتیبانی‌های کارفرما فرآورده‌ای درخور را تولید کند و در این راه تمام تلاش و خلاقیت و دانش خود را به کار می‌بندد. کارفرما نیز ملزم است تا به تعهدات خود پایبند باشد، داروی اختراع‌شده را تحویل گرفته و در عوض زحمات مخترع مبلغی را پرداخت کند. در صورتی که بعد از تلاش‌های مخترع برای اختراع، سفارش کارفرما با همان معیارها و مشخصاتی که مد نظر کارفرما بوده، به وجود آید، کارفرما نمی‌بایست از تحویل گرفتن اختراع و پرداخت عوض کوشش‌های مخترع ممانعت بورزد. شاید این اختراع به وسیله او متقاضی دیگری نداشته باشد و کوشش‌های او در این حوزه بی‌ثمر بماند.

زمانی که قراردادی بین مخترع و کارفرما منعقد گردد، هر کدام از طرفین تعهدی دارند که معوض است. در تعهد مخترع چنانکه بیان شد اختراع دارو بر طبق ملاک‌ها، نیاز و مطلوب کارفرما است و هنگامی که مخترع به خلق چنین اثری بپردازد، بدین معناست که تعهد خود را به اتمام رسانده است. در حقیقت با خاتمه‌یافتن اختراع و تسلیم آن، تعهد مخترع به سر منزل خود می‌رسد و پس از این کارفرما ملزم است تا اختراع را تحویل گرفته و عوض آن را بپردازد که امکان دارد کارفرما از اجرای چنین تعهدی سر باز زند. اگر اثر کامل باشد، سفارش‌دهنده باید آن را تحویل بگیرد و در شرایطی که بین آن دو اختلاف به وجود آید، قاضی قادر است در این زمینه تصمیم‌گیری نماید، به طوری که مخترع باید دارو را به کارفرما تحویل داده و اگر کارفرما امتناع ورزد، مخترع می‌تواند داروی خود را به حاکم بدهد (۴۹). سفارش‌دهنده به هر حال در خصوص پذیرش دارو الزامی ندارد و بدیهی است در صورتی که ویژگی‌های دارو در قرارداد و با تکیه بر عرف تنظیم شده

باشد و داروی ارائه شده این شرایط را نداشته باشد که سفارش دهنده می تواند حق امتناع از قبول داروی ارائه شده را از آن خود کند (۴۶). بنابراین مخترع می تواند ادعا کند که دارو را با تمامی شاخص ها و در چهارچوب مورد توافق اختراع کرده و به کارفرما تسلیم کند.

۲-۳. رعایت حقوق معنوی: از شرایط درستی معاملات، مالیت شرعی داشتن مبیع است. طبق این قاعده در امکان معامله کردن حقوق معنوی در خصوص مالیت عرفی و شرعی اختلاف نظر وجود دارد، البته این مسأله نیازمند بررسی مشروعیت اصل حقوق معنوی است، چراکه حسب ظاهر، خلاف اصول و قواعدی همچون تسلیط و... است (۵۰).

آنچه در قانون و مستندات مورد حکم قرار گرفته، حقوق مادی نشأت گرفته از ثبت اختراع است، اما حقوق معنوی دارو کماکان برای مخترع باقی خواهد ماند و این امر به خاطر خصیصه غیر قابل انتقال بودن حقوق معنوی است که برخی از نویسندگان این خصیصه را امری مطلق پنداشته اند. حقوق معنوی با حقوق مادی و مالی مرتبط نبوده، بلکه به شخصیت پدیدآورنده دارو مرتبط است و در حقیقت این حقوق حامی و پشتیبان حیثیت و خالق داروی فکری می باشند.

چه حق را عیناً به عنوان ملکیت برشماریم یا غیر از آن بدانیم، در اثری مانند سلطنت با یکدیگر شریکند و همین مسأله کافیست تا در حقوق حکم کنیم هر نوع تصرف در اموال حقوقی دیگران بدون اجازه صاحب آن جایز نخواهد بود. حقوق معنوی به طور مشخص در خارج نیست و انسان قادر نیست که ید مالکی و یا حتی غصبی به آن نسبت دهد، بلکه نوعی شیوه و اعتبارات عقلی و عرفی هستند که در فقه قابل اثبات اند و به صورت ثمن و مثن مورد معاوضه و بیع قرار می گیرند، حتی در صورتی که شک در حکم جواز یا عدم جواز مطابق با اصل جواز باشد، می توان به صحت نقل و معاوضه قائل شد. صاحب حق یک شیوه سلطنت نسبت به خود دارد و هیچ شخصی بدون اجازه او قادر به تصرف در آن ها نیست. به عنوان مثال بدون اذن صاحب حق اقدام به چاپ اثر تألیفی یا رایت سی دی یا انتشار نظر علمی او نماید (۵۱).

به نظر می رسد حقوق معنوی اختراع برخلاف حقوق مادی قابل واگذاری و معامله نیست. قانون ثبت اختراعات ۱۳۸۶ نیز حقوق معنوی مخترع را به شکلی که نام او باید در گواهی نامه اختراع ذکر شود، مشخص می کند و هر نوع اظهار نظر و یا تعهد مخترع بر این مبنا که نام شخص دیگری به عنوان مخترع در گواهی نامه قید گردد را بلااثر می داند. مطابق با ماده ۵ می توان گفت با وجود آنکه به وضوح نامی از حقوق معنوی و انتقال و عدم انتقال آن به میان نیامده، اما حقوق معنوی اختراع غیر قابل انتقال دانسته می شود.

به هر ترتیب قانون صرفاً حقوق مادی اختراعات مربوط به این قرارداد را به کارفرما منتقل می کند و کارفرما الزام دارد که حقوق معنوی اختراع را مورد توجه داشته و به رعایت آن ها بپردازد. نکته دیگر آنجاست که حقوق مادی داروی اختراع شده در تمام شرایط به کارفرما تعلق نمی گیرد، در حقیقت می توان اینطور گفت با توجه به اینکه مسأله مالکیت مخترع بر طبق اصل قاعده است، رسیدن مالکیت حقوق مادی به کارفرما وابسته به علتی است که در این مسیر مدعی شخصی است که ادعایی برخلاف اصل را بیاورد.

در حقوق آمریکا حقوق مادی آثاری که در پروسه استخدام و سفارش اختراع می شوند، مطابق با شرایط ویژه ای به کارفرما واگذار می گردد. در برخی موارد نیز که حقوق مادی دارو متعلق به پدیدآورنده است، از جمله حقوق کارفرما برخوردار می شود. از حقی است که حق فروش نام دارد. مطابق با حق فروش و حقوق مرتبط، حقوق اختراع به دو شیوه دسته بندی می گردند که وابسته به موقعیت مستخدم و شرایط ابتکار او است. در صورتی که مستخدم اختراع را به طور جداگانه از کار خود اختراع کند و در زمان خود با استفاده از تجهیزات و امکانات خویش و با کمک نگرفتن از کارفرما و یاری خواستن از مستخدمان مشترک دست به اختراع بزند، اختراع به وی تعلق می گیرد. این مسأله عیناً به عنوان مصداقی برای مستقلانه عمل کردن وی به شمار می رود. در حقوق آمریکا در صورتی که اختراع به وسیله فردی انجام شود که به جهت انجام آن و یا برای رفع اشکالی خاص به استخدام درآمده، اختراع

مستخدم موظف است در فرض «استخدام برای اختراع (Employed to Invent)» تمامی اختراعات خود را به کارفرما واگذار نماید. لازم است که مخترع اطلاعات مرتبط با اختراع خود را به کارفرما گزارش نماید. قراردادهای استخدام بیشتر از اینکه از قانون خاصی تبعیت کنند، تابع شروط مندرج در آن هستند (۵۵).

به طور کلی با بررسی نظام‌های حقوقی مختلف می‌توان یک رویه واحد را در ارتباط با تمامی این نظام‌ها به دست آورد. تقریباً می‌توان گفت که تمام سیستم‌های حقوقی در روابط استخدامی بین کارفرما و مخترع، داروی اختراع شده را متعلق به کارفرما می‌دانند، بعضی از سیستم‌ها با در نظر گرفتن پاداش و مزایا تا حدی منافع فرد مخترع را در این زمینه تأمین کرده‌اند. قراردادهای استخدامی که با هدف اختراع دارو منعقد می‌شوند، دو حالت دارند: در برخی از این قراردادها تعهد مخترع به اختراع دارو تعهد به این معنا که فرد کارفرما در ازای مبلغ مقطوع و مشخصی که به مخترع پرداخت می‌کند، از او درخواست می‌کند که داروی یک بیماری مشخص را بسازد؛ در مواردی تعهد فرد مخترع تعهد به انجام یک فعل می‌باشد، اعم از اینکه نتیجه مورد نظر کارفرما حاصل شود و یا خیر. به عنوان مثال ممکن است کارفرما دانشمندی را استخدام کند و به او از قرار هر ماه مبلغ معینی را پرداخت نماید، با این شرط که اختراعات فرد دانشمند به کارفرما تعلق داشته باشد. در هر دو حالت فوق داروی اختراع شده توسط مخترع به کارفرما تعلق خواهد داشت. اگر کارفرما، مخترع را برای اختراع داروی یک بیماری مشخص استخدام نماید و فرد مخترع در روند تولید آن دارو، داروی دیگری اختراع کند. اگر داروی اختراع شده با استفاده از امکانات و تجهیزات کارفرما اختراع شده باشد، به خود کارفرما تعلق دارد، اما اگر فرد دانشمند و یا مخترع در محل خارج از محیط کار خود که به کارفرما مرتبط می‌شود و با استفاده از امکانات و تجهیزات خود داروی را اختراع نماید، حقوق ناشی از آن به خود فرد مخترع تعلق دارد.

صورت‌پذیرفته به کارفرما تعلق می‌گیرد، در غیر این صورت این امر متعلق به خود مخترع خواهد بود. در موقعیت قبلی در صورتی که مستخدم از امکانات کارفرما استفاده نماید، کارفرما قادر است بدون انتقال حق اختراع مخترع از آن استفاده نماید. در قرارداد استخدام راه‌های متفاوتی برای توافق وجود دارد، اما معمولاً شرایط غیر منطقی و نامعقول در دادگاه نادیده گرفته می‌شوند (۵۲).

۳. مالک داروی اختراع شده در روابط استخدامی:

نظام‌های حقوقی مختلف روش‌های متفاوتی را برای شناخت مالک داروی اختراع شده در روابط استخدامی در نظر گرفته‌اند. به طور کلی می‌توان گفت که در اکثر سیستم‌های حقوقی در صورتی که داروی اختراع شده در حیطه وظایف استخدامی فرد مخترع باشد، کارفرما مالک آن محسوب می‌شود، مگر اینکه در قرارداد استخدامی به نحو دیگری مقرر شده باشد. بر اساس قانون آمریکا مخترع می‌تواند در ضمن قرارداد استخدام حق بهره‌برداری از داروی اختراع شده را برای خود حفظ کند. بر اساس قانون این کشور اگر داروی اختراع شده به وسیله تجهیزات و امکانات کارفرما حاصل شده باشد، کارفرما در بهره‌برداری از آن سهیم می‌شود. در بعضی از کشورها در صورتی حقوق ناشی از داروی اختراع شده به کارفرما تعلق می‌گیرد که در ازای آن یک پاداش عادلانه به فرد مخترع داده شود، هرچند چنین پاداشی در اکثر نظام‌های حقوقی در نظر گرفته نشده است؛ بر اساس قانون ایران حقوق ناشی از داروی اختراع شده در روابط استخدامی مطلقاً به کارفرما تعلق می‌گیرد، هرچند اصل حاکمیت اراده در حوزه قراردادهای استخدامی بسیار پرکاربرد است، اما عدم پیش‌بینی برخی از شرایط خاص، باعث می‌شود که به قوانین مربوط به اختراعات رجوع شود. در این قوانین اختراع صورت‌گرفته به کارفرما تعلق می‌گیرد (۵۳).

از آنجایی که در قراردادهای استخدامی، دانشمند قبل از انجام اختراع قرارداد را امضا می‌کند، به این قراردادها «قرارداد انتقال قبل از اختراع (Re-Invention Assignment)» می‌گویند (۵۴).

۴. شناخت کاربرد دارویی جدید برای داروی اختراع شده در روابط استخدامی: زمانی که برای دارویی که از قبل اختراع شده است، کاربرد جدیدی شناخته شود، در اصطلاح گفته می‌شود که کاربرد جدید دارویی برای محصول X به دست آمده است. شناخت کاربرد جدید دارویی دو حالت دارد: در مواردی ممکن است برای یک ماده که قبلاً مورد شناسایی قرار گرفته و کاربرد دارویی یا پزشکی ندارد، کاربرد دارویی کشف شود؛ در حالت دوم ممکن است برای یک دارو که از قبل اختراع شده است، کاربرد دارویی جدیدی شناخته شود (۵۶). در اصطلاح به این مورد «تجویز ثانویه (Second Indication)» گفته می‌شود. در موضوع حاضر حالت دوم مورد بحث ما می‌باشد.

باید توجه داشته باشیم که منظور از کاربرد جدید اختراع دارویی در موضوع مقاله حاضر این است که برای یک دارو بدون اینکه در آن تغییری ایجاد شود، کاربرد جدیدی شناخته شود.

باید توجه داشت که یافتن راه جدید برای استفاده از یک دارو به معنای کاربرد جدید اختراع دارویی نمی‌باشد. به عنوان مثال اگر مشخص شود دارو X که برای بیماری Z به صورت قرص استفاده می‌شود، قابل استفاده برای همان بیماری Z به صورت تزریقی نیز می‌باشد، در نتیجه این شیوه به معنای کاربرد جدید نیست.

در نتیجه منظور از اصطلاح «کاربرد جدید دارویی» در مقاله حاضر حالتی می‌باشد که دارویی بدون تغییر در ترکیب آن، که برای یک بیماری استفاده می‌شود، برای بیماری دیگری نیز قابل استفاده تشخیص داده شود.

شناخت قواعد مرتبط با کاربرد جدید اختراعات دارویی از دو نظر مهم است: نخست اینکه این اختراعات تأثیر مهم و مثبتی بر مباحث مرتبط با سلامت عمومی دارند و علاوه بر آن موجب پیشرفت اقتصادی و تجاری می‌شود (۵۷).

حمایت کردن از اختراعات دارویی از آن جهت که باعث تأمین بهداشت عمومی می‌شود، بسیار مهم و ضروری است، اما در نقطه مقابل ممکن است دسترسی به بهداشت عمومی را به

ویژه در عرصه بین‌المللی با مشکل مواجه سازد. کشورهای پیشرفته درصدد افزایش مصادیق اختراعات دارویی هستند تا از این طریق بتوانند انحصار مربوط به تولید و ارائه برخی از داروها را به نفع خود به دست بیاورند (۵۸). این امر تأمین‌کننده منافع اقتصادی این کشورها می‌باشد. سرمدمدار آن‌ها کشور آمریکا و کشورهای اتحادیه اروپا هستند. نمونه بارز حمایت از مالکیت فکری با هدف تأمین منافع اقتصادی را می‌توان در ظهور موافقت‌نامه آکتا در عرصه بین‌المللی مشاهده نمود. این موافقت‌نامه با هدف حمایت بسیار وسیع از دارندگان محصولات فکری به وجود آمد. در ظاهر هدف این موافقت‌نامه مبارزه با کالاهای تقلبی و حمایت از مالکیت فکری بود، اما به مرور مشخص شد که روند غیر دموکراتیک و غیر شفاف این موافقت‌نامه در واقع برخلاف سلامت و بهداشت عمومی می‌باشد، هرچند حامیان این موافقت‌نامه منکر لطمه آن به دسترسی به بهداشت عمومی می‌شود، اما کاملاً مشخص است که اقدامات مرزی و ترانزیتی موافقت‌نامه، تولیدکنندگان غیر برند را در عرصه محصولات دارویی از بازار خارج نموده است.

از آنجایی که کشورهای در حال توسعه توانایی مقابله با فناوری کشورهای توسعه‌یافته را ندارند، باعث وابستگی اقتصادی بیشتر آن‌ها به کشورهای توسعه‌یافته می‌شود. بحث مربوط به ثبت کاربرد جدید اختراعات دارویی نیز به همان اندازه که در جهت حمایت از حقوق مخترعان و مالکیت فکری مفید است، از آن جهت که دسترسی به سلامت عمومی در سطح جهانی را با دشواری مواجه می‌کند، مورد انتقاد قرار گرفته است. امکان ثبت کاربرد جدید اختراعات دارویی به علت سود سرشار صنعت داروسازی و ایجاد انحصار در این حوزه مورد استقبال شدید کشورهای توسعه‌یافته قرار گرفته است. تلاش این کشورها در جهت همسوکردن قواعد بین‌المللی با منافع خود به ویژه در حوزه موافقت‌نامه تریپس بسیار قابل توجه است. در فرضی که قائل به امکان ثبت کاربرد جدید اختراع دارویی باشیم، در واقع این امر بدین معناست که فردی که کاربرد جدید را تشخیص داده است از حمایت ۲۰ ساله قانونگذار در تولید و بهره‌برداری از محصول برخوردار می‌شود.

برخی از مواد محصول جدیدی ساخته می‌شود که ماهیت آن با مواد اولیه که برای تولید به کار گرفته شده است، کاملاً متفاوت می‌باشد.

موافقت‌نامه تریپس به صورت برابر برای تمام کشورها در حوزه اختراعات مربوط به داروسازی حق ثبت در نظر گرفته است، اما اجباری در مورد ثبت اکتشافات در موافقت‌نامه تریپس به چشم نمی‌خورد. برای اینکه یک نوآوری قابل ثبت باشد، باید مشمول عنوان اختراع قرار بگیرد. علاوه بر آن لازم است که دارویی که اختراع شده آثار مثبتی در جهت بهبود داشته باشد تا قابل ثبت تلقی گردد، به بیان دیگر اگر دارویی که اختراع شده است آثار مخرب و مضراتش بیشتر از فواید آن باشد، از ثبت آن حمایت نمی‌شود. برخی از موارد مانند روش‌های ریاضی، روش‌های معالجه و روش‌های انجام تجارت و اکتشافات به صراحت در قانون قابل ثبت دانسته شده‌اند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که کاربرد جدید دارویی جز اختراعات می‌باشد و یا اکتشافات؟ به نظر می‌رسد که اصولاً شناخت پدیده‌های طبیعی در زمره مفهوم کشف تلقی می‌شود، در نتیجه نمی‌توانیم قائل به این امر شویم که شناخت کاربرد جدید یک دارو جز کشفیات می‌باشد، چراکه دارویی که از قبل اختراع شده، جز پدیده‌های طبیعی نیست تا بتوانیم تشخیص کاربرد جدید آن را در حوزه اکتشافات بررسی کنیم. به بیان دیگر تشخیص مصداق کاربرد جدید دارویی وابسته به تعریفی است که از اکتشاف و اختراع ارائه می‌شود، در فرضی که اکتشاف را شناخت پدیده‌های طبیعی موجود تلقی کنیم، از آنجایی که کاربرد جدید دارویی پدیده طبیعی تلقی نمی‌شود، نمی‌توانیم آن را جز اکتشافات بدانیم، اما اگر اکتشاف را شناخت دانشی که وجود دارد، بدانیم، بدون هیچ‌گونه ساختن، تولیدکردن و یا تغییردادن، می‌توان گفت که تشخیص کاربرد جدید برای یک دارو در زمره اکتشافات قرار می‌گیرد، فلذا شناخت مفهوم دقیق و علمی اکتشافات برای تشخیص کاربرد جدید دارویی بسیار مهم است. به نظر می‌رسد که شناخت کاربرد جدید برای یک دارو نمی‌تواند در حوزه اختراعات نیز قرار بگیرد.

حمایت از کاربرد جدید اختراعات دارویی و قابل ثبت تلقی نمودن آن‌ها مانع ورود دارو به حوزه عمومی می‌شود. این امر دسترسی مردم را به محصولات ضروری مرتبط با بهداشت عمومی با مشکل مواجه می‌سازد (۵۹).

در موافقت‌نامه تریپس در ارتباط با حمایت از کاربرد جدید اختراع دارویی مطلب خاصی به چشم نمی‌خورد، کشورهای توسعه‌یافته مانند آمریکا تلاش زیادی در جهت تعمیم حمایت تریپس در ارتباط با شناخت کاربرد جدید اختراعات دارویی نمودند، منتها این تلاش در زمینه کنوانسیون تریپس بی‌نتیجه بود و زمینه‌ساز روی آوردن این کشورها به موافقت‌نامه‌های دوجانبه گردید (۶۰).

در صورتی که کاربرد جدید اختراعات دارویی قابل ثبت باشد و حقوق مالکیت فکری از چنین امری حمایت نماید، مسلماً دسترسی به داروهای ثبت‌شده برای کشورهای در حال توسعه دشوارتر خواهد شد.

در پیمان ژنو در ارتباط با با مفهوم اکتشافات علمی آمده است، کشف علمی به معنای «شناخت پدیده‌ها، خاصیت‌ها و یا قوانین موجود در جهان است که تا کنون شناخته نشده است» (۱).

در مورد ثبت کاربرد جدید اختراعات دارویی دو نظر وجود دارد: برخی معتقد هستند که این نوع کاربرد به عنوان یکی از انواع اختراعات قابل ثبت می‌باشد؛ در نقطه مقابل بعضی دیگر با استدلال‌های مختلف مخالف امکان ثبت کاربرد جدید اختراعات دارویی می‌باشند.

به نظر می‌رسد که تشخیص یک کاربرد جدید برای داروی مورد استفاده نمی‌تواند اختراع تلقی شود، چراکه اختراع در واقع به معنای تغییر و ترکیب مواد اولیه برای ساختن یک محصول جدید می‌باشد. این در حالی است که در تشخیص کاربرد جدید دارو این فرایند به دست نمی‌آید. شاید بتوان گفت که تشخیص کاربرد جدید برای یک دارو در واقع اختراع نیست که قابل ثبت باشد، بلکه نوعی اکتشاف است. کشف و اختراع دو مفهوم کاملاً متمایز از یکدیگر می‌باشند. عملکرد دانشمندان در روند کشف در واقع شناسایی امری است که از قبل وجود داشته است، در حالی که در اختراع با تأکید به

بر اساس ماده ۲۷ موافقت‌نامه تریپس: «حق ثبت برای هرگونه اختراعی، اعم از محصولات یا فرایندها، در تمام رشته‌های تکنولوژی وجود دارد، مشروط بر اینکه این اختراعات تازه، متضمن گام ابتکاری و دارای کاربرد صنعتی و جدید باشند.» به عبارت دیگر ۳ شرط اساسی برای ثبت یک اختراع در نظر گرفته شده است: ۱- داشتن گام ابتکاری؛ ۲- داشتن کاربرد صنعتی؛ ۳- جدیدبودن. منظور از جدیدبودن اختراع این است که فناوری مربوط به ساخت دارو از طریق انتشار اعم از کتبی و یا شفاهی قبل از تقاضا یا قبل از تاریخ حق تقدم ناشی از اظهارنامه متقاضی ثبت اختراع به اطلاع عموم نرسیده باشد. قاعدتاً شناخت کاربرد جدید برای اختراع دارویی چنین وصفی را ندارد، پس نمی‌تواند کاربرد جدید دارویی در زمره اختراعات بررسی شود.

علاوه بر آن در بند ۳ از ماده ۲۷ موافقت‌نامه تریپس آمده است که «اعضا می‌توانند در مورد قابل ثبت بودن اختراعات استثنائات زیر را قائل شوند:

۱- روش‌های تشخیص، درمان و جراحی برای مداوای انسان و یا حیوان... . شاید بتوان گفت تشخیص کاربرد جدید برای داروی از قبل اختراع شده نوعی روش تشخیصی می‌باشد، لذا می‌تواند ثبت و یا عدم ثبت آن به اختیار کشورها باشد. به نظر می‌رسد چنین امری باعث ایجاد یک رویه متعارض در عرصه بین‌المللی خواهد شد، چراکه کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای دارویی که فناوری آن‌ها در عرصه اختراعات دارویی پیش‌گام است، تمایل به ثبت کاربرد جدید اختراعات دارویی دارند، اما در کشورهای در حال توسعه و یا کشورهایی که در حوزه اختراعات دارویی عملکرد ضعیف‌تری دارند، برای اینکه بتوانند دسترسی بهتر و راحت‌تری به دارو داشته باشند، مخالف ثبت کاربرد جدید دارو می‌باشند، لذا بهتر است در این زمینه سندی تدوین گردد که منافع تمامی کشورها را در نظر داشته باشند (۶۱).

در ارتباط با موضوع حاضر دو حالت اصلی قابل تصور است: حالت اول زمانی است که فرد مخترع در جریان رابطه استخدامی خود و در روند اختراع دارو، کاربرد جدیدی برای

داروی از قبل اختراع شده پیدا می‌کند، در چنین فرضی سؤال اساسی که مطرح می‌شود، این است که اگر کاربرد جدید یک دارو را قابل ثبت بدانیم، در چنین رابطه‌ای تشخیص کاربرد جدید دارو به نام چه کسی ثبت خواهد شد؟ حالت دوم زمانی است که دارویی از قبل و در روابط استخدامی اختراع شده باشد، قاعدتاً در چنین فرضی داروی اختراع شده به کارفرما تعلق دارد. اگر بعد از مدتی کاربرد جدیدی برای همان دارو شناسایی شود، این کاربرد جدید به نام چه کسی قابل ثبت خواهد بود؟ قاعدتاً فردی که کاربرد جدید دارو را تشخیص می‌دهد، می‌تواند آن را به نام خود ثبت کند، اما اگر همان مخترعی که داروی را اختراع کرده است، بعد از مدتی کاربرد جدیدی برای دارو تشخیص دهد، این کاربرد جدید به نام فرد مخترع قابل ثبت است و یا به نام کارفرما؟ در این قسمت درصدد هستیم که حالت‌های فوق را مورد بررسی قرار دهیم.

۴-۱. شناسایی کاربرد جدید دارو توسط فرد مخترع در

روابط استخدامی: در صورتی که یک قرارداد استخدام بین کارفرما و مخترع در مورد اختراع دارو منعقد شود و اجرت مشخصی برای چنین امری در نظر گرفته شود، مسلماً داروی اختراع شده به فرد کارفرما تعلق خواهد داشت. اگر در روند اختراع دارو فرد مخترع کاربرد جدیدی برای داروی از قبل اختراع شده شناسایی کند، این کاربرد جدید به نام چه کسی قابل ثبت خواهد بود؟ ممکن است در مرحله اول این شبهه ایجاد شود که تشخیص کاربرد جدید برای یک دارو از آنجا که در حوزه تعهدات قراردادی فرد مخترع نبوده است، فلذا به کارفرما تعلق ندارد و مخترع می‌تواند آن را به نام خود به ثبت برساند، منتها به نظر می‌رسد بر اساس اصول حقوقی مطرح در روابط استخدامی چنین مسأله‌ای قابل پذیرش نیست. در صورتی که در تعهد قراردادی که فرد مخترع با کارفرما منعقد می‌نماید، قید شده باشد که تمامی اختراعات فرد مخترع در مدت زمانی که برای کارفرما کار می‌کند، به کارفرما تعلق داشته باشد، قاعدتاً تشخیص کاربرد جدید برای یک دارو نیز به نام کارفرما ثبت خواهد شد، اما اگر چنین قیدی در قرارداد نیامده باشد و یا قرارداد در مورد اختراعات دیگر فرد مخترع

نام کارفرما ثبت خواهد شد و اگر ارتباط استخدامی فرد مخترع با کارفرمای قبلی به پایان رسیده باشد و در یک رابطه استخدامی جدید مخترع کاربرد جدید دارویی را کشف کند، این شناسایی به نفع کارفرمای جدید قابل ثبت خواهد بود.

نتیجه‌گیری

قراردادهای استخدامی جهت اختراع دارو امروز به علت تأثیری که بر اقتصاد و سلامت جامعه می‌گذارند، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار هستند. اختراعات دارویی سریع‌تر از سایر محصولات و اختراعات در حوزه مالکیت فکری زمینه کسب سود و منفعت را فراهم می‌آورند، به همین علت مورد توجه سرمایه‌گذاران هستند.

حمایت از مخترعان در قراردادهای استخدام برای دارو می‌تواند زمینه رشد و شکوفایی کشور را فراهم آورد. قاعده لاضرر لزوم حمایت از مخترعان را توجیه می‌کند، بر اساس این قاعده در صورتی که مخترع بتواند داروی مهمی را کشف و یا اختراع کند، عدم حمایت از او از نظر قانونی موجب ورود ضرر به وی خواهد شد، در اغلب موارد دانشمندان و یا مخترعان به علت کمبود بودجه و یا امکانات آزمایشگاهی شروط مندرج در قراردادهای استخدام را به هر نحوی که باشد می‌پذیرند، این امر موجب انجام فعالیت‌های فرسایشی و عدم رغبت جهت پژوهش‌های آتی خواهد شد، علاوه بر آن برخی از شروط مندرج در این قراردادها یک‌طرفه و به نفع کارفرما است.

استناد به قاعده لاضرر ایجاب می‌نماید که منافع فرد مخترع در قراردادهای استخدام جهت اختراع دارو به نحو مطلوب تأمین شود، علاوه بر آن، بر اساس قاعده حفظ مصلحت نظام، مصلحت جامعه از نظر حمایت از سلامت و اقتصاد ایجاب می‌کند که از مخترعان به عنوان سرمایه‌های بالقوه به نحو مطلوب حمایت گردد.

به طور کلی با توجه به مطالب ارائه‌شده در این پژوهش می‌توان گفت که لازم است که قانونگذار دامنه استفاده از قراردادهای لیسانس اجباری را محدود نماید و یا در صورت لزوم حق امتیاز متناسب و معقولی برای این قراردادها در نظر

ساکت باشد و یا تعهد قراردادی فرد مخترع با کارفرما صرفاً برای اختراع یک دارو مشخص ایجاد شده باشد، این سؤال قابل طرح است که شناسایی کاربرد جدیدی برای دارویی که از قبل اختراع شده به نام چه کسی ثبت خواهد شد؟ به نظر می‌رسد در چنین فرضی اگر مخترع این کاربرد جدید را در روند فعالیت خود برای کارفرما تشخیص داده باشد، می‌توان آن را به نام کارفرما ثبت نمود (۶۲). همچنانکه در بخش مربوط به روابط استخدامی بیان شد، چنانچه مخترع با استفاده از امکانات و تجهیزات فرد کارفرما بتواند محصول جدیدی را اختراع کند، آن محصول نیز به کارفرما تعلق دارد، هرچند خارج از تعهدات قراردادی فرد مخترع باشد.

۴-۲. تشخیص کاربرد جدید برای داروی که قبلاً در

روابط استخدامی اختراع شده است: ممکن است دارو بر اساس تعهدات قراردادی و در جریان روابط استخدامی اختراع شود، مسلماً حقوق ناشی از محصول اختراع شده به کارفرما تعلق خواهد داشت. اگر بعد از مدتی کاربرد جدیدی برای داروی اختراع شده شناخته شود، این کاربرد جدید به نفع فردی که آن را تشخیص داده است، قابل ثبت می‌باشد، اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که اگر بعد از روابط استخدامی بین مخترع و کارفرما، مخترع کاربرد جدیدی را برای داروی که قبلاً در روابط استخدامی خود با کارفرما اختراع کرده است، شناسایی کند، این کاربرد جدید به نفع چه کسی قابل ثبت خواهد بود؟ به عنوان مثال اگر در سال ۲۰۰۰ برای بیماری Z در یک رابطه استخدامی داروی Y اختراع شود، حقوق مربوط به این دارو به کارفرما تعلق خواهد داشت. در فرضی که رابطه استخدامی در سال ۲۰۰۵ به پایان برسد و در سال ۲۰۱۰ فرد مستخدم کاربرد جدیدی برای دارویی که خودش قبلاً اختراع کرده است، پیدا کند، این کاربرد جدید به نام چه کسی قابل ثبت خواهد بود؟ به نظر می‌رسد در چنین فرضی کاربرد جدید که برای دارو به دست می‌آید به نام خود مخترع قابل ثبت می‌باشد، چراکه رابطه استخدامی او با فرد کارفرما به پایان رسیده است. اگر رابطه استخدامی او با کارفرما در جریان باشد، قاعده‌تاً شناسایی کاربرد جدید دارو به

بگیرد تا هم انگیزه کارفرما برای سرمایه‌گذاری و هم انگیزه مخترع برای انجام فعالیت‌های تحقیقاتی حفظ شود. تدوین قوانین جدید و الزامی‌کردن در نظرگرفتن پاداش در قراردادهای استخدام برای مخترعان می‌تواند به نحو مطلوب منافع آن‌ها را تأمین کند. لازم است که در قوانین کاربرد جدید داروهای اختراع‌شده در روابط استخدامی قابل ثبت باشد. قاعدتاً شناخت این کاربرد جدید در صورتی که در قرارداد استخدامی قیدی برای آن وجود نداشته باشد، به نفع مخترع قابل ثبت می‌باشد.

مشارکت نویسندگان

الناز بیرجندیان: جمع‌آوری داده‌ها و نگارش متن.
نفیسه متولی‌زاده نائینی، حمید روستائی صدرآبادی و محمد مهدی برغی: جمع‌آوری منابع، تجزیه و تحلیل داده‌ها، ویرایش متن.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

References

1. World International Property Orgazination. WIPO Intellectual Property Handbook. 2nd ed. Geneva: WIPO Publications; 2008. No.489 p.3.
2. Salzar S. Intellectual Property and the right to health, in WIPO in collaboration with the office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, Intellectual Property and Human Rights. Geneva: WIPO Publications; No Date. p.65.
3. Wolf TA, Zycher B. Biotechnological and pharmaceutical Research and Development Investment under a patent-based access an Benefit sharing regime. San Francisco: Pacific Research Institute Publication; 2005. p.3.
4. Ager B. The pharmaceutical industry's contribution to improving healthcare in the developing world. Bingley: Emerald Publishing Limited; 2002. p.1.
5. Serrano O, Burri M. Trips Implementation in Developing Countries: Likely Scenarios to 2025. Cambridge: Cambridge University Press; 2019. p.287.
6. Athir MA. Al-Nahaye fi Gharib al-Hadith. Damascus: Al-Othmaniyah Printing House; 1893. p.77. [Arabic]
7. Ragheb Esfahani A. Al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an. 2nd ed. Cairo: Al-Kitab Publishing House; 1984. p.111. [Arabic]
8. Khorasani MK. Kefayeh al-Asul. Qom: Islamic Publishing Institute; 2003. p.430-433. [Arabic]
9. Mousavi Bojanvardi SMH. Al-Qasas al-Fiqhiyyah. Najaf: Al-Adab Press; 1969. Vol.1 p.188. [Arabic]
10. Bern Convention; 1886.
11. Paris Convention; 1883.
12. WIPO Convention; 1967.
13. Tareehi F. Majma al-Bahrin. Beirut: Dar al-Maktabeh al-Hilal; 1985. Vol.3 p.248. [Arabic]
14. Naraghi MA. Awaed al-Ayam. 1st ed. Qom: Al-Nashar Publishing Center Affiliated with al-Alam al-Islami School; 1996. p.48. [Arabic]
15. Ahmadzadeh A, Jafarpur J. An analysis of the jurisprudential foundations of the legitimacy of intellectual property (in Shia and Sunni jurisprudence). Specialized Quarterly of Religion and Law. 2016; 13: 9-48. [Persian]
16. The Holy Quran. Baqarah: 231, 233; Nisa: 12; An'am: 53, 159; Al-Imran: 103, 105; Anfal: 46.
17. Taymiyyah A. Isbu' al-Fiqh al-Islami. Damascus: Majlis al-Ala for the Protection of Arts and Manners and Social Sciences; 1960. p.25. [Arabic]
18. Hali (Fakhr al-Haqqeen) M. Idbah al-Fawida fi Sharh al-Mashiklat al-Qasas. Qom: Ismailian Institute; 1967. p.48. [Arabic]
19. Hadid Madaeni E. Commentary on Nahj al-Balagha. Research by Ibrahim MA. Baghdad: Dar al-Antar al-Arabi; 2007. Vol.1 p.230. [Arabic]
20. Har Amili M. Wasal al-Shi'a to the Study of Islamic matters. Beirut: Dar al-Ahya al-Tarath al-Arabi; 1971, A.H. p.151. [Arabic]
21. Makarem Shirazi N. Al-Qasas al-Fiqhiyyah. 3rd ed. Qom: School of Imam Ali (AS); 1951. Vol.1 p.33. [Arabic]
22. Kulayni M. Farou Kafi. Tehran: Al-Maktabeh al-Islamiya Publication; 1941. Vol.5. [Arabic]
23. Sistani A. Interpretations of the rule of harmless and harmless. Translated by Naibzadeh A. 1st ed. Tehran: Khorsandi Publications; 1969. p.77. [Persian]
24. Qahpai IA. Majma al-Rijal. Isfahan: No Name; 1964. Vol.4 p.7. [Arabic]
25. Mamqani A. Tanqih al-Maqal fi ilm al-Rijal. Najaf: Al-Mortazawieh School; 1933. p.69. [Arabic]
26. Najashi A. Rejale Najashi. Qom: Islamic publishing office affiliated with Qom seminary community of teachers; 1954. p.268. [Arabic]
27. Mousavi Khomeini SR. Rasail. Qom: Ismailian Institute; 1965. p.26. [Arabic]
28. Haddadzadeh Shakiba A. Qualitative Improvement of Social Welfare of Iranian Society in the Light of Conflict of Interests Management, Relying on a Comparative Study of the No-Harm Principle in Imami Jurisprudence and the Harm Principle in the Western Legal System. Research Letter of Social Jurisprudence. 2022; 9(2): 185-208. [Persian]
29. Abuey H. A Survey in the Principle of No Harm and Harming in Islam. Journal of Kavoshnameh in Persian Language and Literature. 2001; 1(1): 41-82. [Persian]
30. Warei J. The rule of disruption of the provision system and its scope in jurisprudence. Islamic Government Quarterly. 2014; 19(1): 5-32. [Persian]
31. Tabatabai SA. Riyad al-Masal fi Bayan al-Ahkam al-Sharia with evidence. 1st ed. Qom: Al-Nashar al-Islami Foundation of the Jamaat al-Madrasin; 1412. Vol.1 p.83. [Arabic]

32. Mohagheq Damad SM. Rules of Jurisprudence. 12th ed. Tehran: Islamic Sciences Publishing Center; 1986. Vol.1 p.21. [Arabic]
33. Tobin J. The Right to Health in International Law. Oxford: Oxford University; 2012. p.31.
34. Meshkini A. Translation of the Holy Quran. 2nd ed. Qom: Quran Printing and Publishing Center of the Islamic Republic of Iran; 2005. p.150. [Persian]
35. Sheikh Mufid M. Amali. Qom: Al-Nashar al-Islami Institute, 1992. p.14. [Arabic]
36. Amadi A. Gharr al-Hukm and Dar al-Kalam. Translated and Explained by Khawansari JM. Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office, Qom Seminary; 1947. p.236. [Persian]
37. Ibin Hanbal A. Musnad Ahmad bin Hanbal. Beirut: Dar al-Fiqh; 1993. p.405. [Arabic]
38. Faiz Kashani M. Al-Atthar. Isfahan: Publications of the Scientific and Religious Research Center of Imam Amir al-Momenin (AS); 1951. p.285. [Arabic]
39. Mousavi Khomeini SR. Al-Astsaḥhab. 3rd ed. Tehran: Imam Al-Khomeini (PBUH) Editing and Publishing Foundation; 1965. Vol.1 p.276. [Arabic]
40. Qomi M. Man La Yahdrah al-Faqih. 3rd ed. Qom: Islamic Publications Office; 1413. p.51. [Arabic]
41. Bahr al-Uloom M. Bolgha al-Faqhiyyah, pamphlets of Maktaba al-Sadegha. Tehran: Maktabat al-Sadegh; 1983. Vol.3 p.467. [Arabic]
42. Sabzevari SA. Mohabeul-ur-Rahman fi Tafsir al-Qur'an. 2nd ed. Beirut: Ahl al-Bayt Institute; 1891. p.394. [Arabic]
43. Dargahi M. Between the interaction of the rules of maintaining the system and the privacy of individuals. Quarterly Journal of Protection-Security Researches of Imam Hossein University (AS). 2016; 5(19): 71-89. [Persian]
44. Hovenkamp H, Janis MD, Lemley MA, Leslie CR, Carrier MA. IP and Antitrust: An Analysis of Antitrust Principles Applied to Intellectual Property Law. Alphen aan den Rijn: Wolters Kluwer Law & Business; 2015. p.7-14.
45. Glader M. Innovation Markets and Competition Analysis: EU Competition Law and US Antitrust Law. Cheltenham: Edward Elgar Publishing; 2006. p.154.
46. Jamalzadeh N, Babakhani M. Application of the Principle of Preserving the System in Imam Khomeini's Jurisprudential and Political Thought. Political Knowledge. 2017; 13(1): 5-40. [Persian]
47. Hoen E. RIPS, Pharmaceutical Patents, and Access to Essential Medicines: A Long Way From Seattle to Doha. Chicago Journal of International Law; 2002; 3(1): 27-46.
48. Mohammadi P. Copyright contracts. 1st ed. Tehran: Dadgostar Publications; 2007. p.451-453. [Persian]
49. Article 273 of the Civil Code.
50. Walizadeh MJ, Soltani AA. Legitimacy and Shari'a property of intellectual rights. Journal of Teachings of Civil Jurisprudence. 2015; 7(11): 137-160. [Persian]
51. Pouyan M. Jurisprudent Consideration of Becoming Spiritual right as Costs and Prohibition of Treatment in them. Figh wa Huquq-i Islami. 2010; 6(3): 9-25. [Persian]
52. DeRoo P. "Public Non-Commercial Use" Compulsory Licensing for Pharmaceutical Drugs in Government Health Care Programs. Michigan Journal of International Law. 2011; 32: 347-394.
53. Derishi I, Hosseini SMA. An Analysis on Patent Misuse Doctrine in the U.S and Iranian Legal System. Journal of Comparative Law. 2019; 6(2): 147-166. [Persian]
54. Pressman D, Stim R. Nolo's Patents for Beginners. California: Nolo; 2006. p.149.
55. Verbauwheide L. Importance of Managing the Ownership of IP Assets, Special Program on Practical IP Rights Issues. Geneva: WIPO Publications; 2004. p.15. Available at: <https://www.WIPO.org>.
56. Sadeghi M. Legal and Economic Challenges of Pharmaceutical New Use Patent for Developing Countries. Private Law Studies Quarterly. 2011; 40(1): 159-178. [Persian]
57. Helm KA. The battle over global drug markets: Enforcement of pharmaceutical patents in the United States, Europe and Japan. Journal of Intellectual Property Law & Practice. 2009; 4(1): 39-50.
58. Sadeghi M. Supporting Pharmaceutical Innovations and Joining the World Trade System. Tehran: Mizan Publishing House; 2008. p.13. [Persian]
59. Monfared M. Conflict of Pharmaceutical Patents and Protection of Human Rights; Legal Interpretation of Article 27 of TRIPS Agreement. MLJ. 2016; 9(Special Issue of Intellectual Property Law): 151-187. [Persian]
60. Kumar N. Intellectual Property Rights, Technology and Economic Development: Experiences of Asian Countries. New Delhi: Research and Information

System for Non-aligned and Other Developing Countries); 2002. p.24.

61. Alamzadeh M, Farhadi D, Taleghan Ghaffari M. A comparative enquiry into the relationship between intellectual property rights resulting from pharmaceutical inventions and the right to health from the standpoints of Iran's laws and the TRIPS Agreement. *Comparative Law Quarterly*. 2021; 4(2): 103-117. [Persian]

62. Raeisi M, Aqaei Bajestani M. The intellectual Property Rights in the Shiite Jurisprudence and Statutes of Iran. *Islamic Law & Jurisprudence Researches Journal*. 2016; 12(4): 51-70. [Persian]